

شعبی خبسر مهمی را در مورد بنی امیه نقل می کند وی می گوید بعد از انتخاب عثمان برای خلافت، بنی امیه در خانه ای گرد آمدند. سپس درب را بستند. اوسفیان گفت: آیا کسی غیر از بنی امیه در میان تان هست؟ گفتند: خیر، ایستاده اوسفیان این جمله را بر زبان جاری کرد: «یا بنی امیهٔ تغلقوها تغلق الخیره، فولاذی یخلف به اوسفیان ما من عذاب و لاحساب، ولاجئته و لاتار، ولاعبث و لاقامه!»<sup>۱۲</sup> ای بنی امیه این گوی اخلاقتا را مانند گوی کودکان بین تان دست به دست کنید؛ قسم به کسی که اوسفیان به او قسم می خورد نه عدایی در کار است و نه حسایی، و نه بهشتی و نه جهنمی، و نه رستاخیزی و نه قیامتی!» خلیفه از بیان سخن اوسفیان بر آشفت و او را از منزل بیرون کرد. اما از سایر بنی امیه چیزی نقل نمی کند<sup>۱۳</sup> که این نشانگر این است که آنها نسبت به بیان این سخنان بی میل نبودند.

بنی‌امیه رفته رفته اختیارات حکومت را از خلیفه سوم سلب کردند، استقلال رأی و قدرت تصمیم‌گیری را از او گرفتند. در یک از آنان قلمرو فرقه‌رئای خود را ملک بطلق خویش می‌پنداشت و بدون هیچ‌گونه اعتنایی به مقدسات اسلامی و یا حتی مصلحت خلیفه، بزرگ‌ترین خیانت‌ها را مرتکب می‌شد.

ولیدبن عقبه بن ابی معیط رسماً در کوفه شراب خورد و در محراب عبادت می‌نشست.

پس از افشای رسوایی اخلاقی ولید، با فشار مسلمانان وی عزل شد ولی پس از مدتی، سعید بن عاصی شد دیگر از سران بنی امیه جانشین ولید در کوفه شد، سعید گفت: روستاها و سزیم‌های حاصل‌خیز عراق متعلق به قریش است؛ یعنی سواد عراق را جزء تبتول خود و قوم و قبیله‌اش (بنی‌امیه) شمرد.<sup>۱۴</sup>

مسلمانان کوفه در یافتند گرچه

سعید همچون ولید فساد اخراقی علنی نداشت، ولی به فساد مالی اوده است. مالک اشتبتر، که در روز روزگار از قرآه قرآن و خواص اهل حق و فرماندهان دلیر کوفه به شمار می‌آمد، نتوانست این زیاده‌طلبی و ظلم آشکار و ادعای جورانه سعید را تحمل کند؛ از این رو بپ به اعتراض گشود و گفت: آیا عینتمی را که خداوند در سایه‌شمشیرهاو نیزه‌ها نصیمان نموده‌است، بستان خود و قومت می‌شماری؟! آن‌گاه با هفتاد سوار از کوفه رهسپار مدینه شد. نزد عثمان رفت و از عمل زشت سعید شکایت کرد و خواستار عزل سعید شد. سرانجام، خلیفه مشکل را با برخی از اهل امر از جمله خود سعید بن عاص در میان گذارد. عبدالله بن سعد برای فرونشاندن اعتراضات کوفیان، مصلحت را در این دید که خلیفه به خواسته کوفیان بی‌توجهی نکند؛ چرا که کوفه یک شهر نظامی بود و آرامش و ثباتش در تحکیم آن تعیین‌باید. این استنگاه خلافت نقش حساس و سرنوشت‌سازی داشت، ولی با تصدیق بر عاص به این اعتراض کرد از این سر سرانجام مسلمانان کوفه را، که برای حفظ زمین‌هایشان از عرقان و چپاول سعید بن عاص شکایت کرده بودند با صلاحدید خود سعید بن عاص به مرزهای کشور تبعید کرد.<sup>۱۵</sup>

عبدالله بن سعد بن ابی سرح با ظلم و ستم خود، مردم مصر را به تنگ آورد. به گونه‌ای که عده زیادی از مسلمانان از مصر به مدینه آمده و از او شکایت کردند ولی شکایات آن‌ها موجب بد حال شدن افتادن جان خودشان گردید.

آری اساساً رفته رفته پروژه سبطیره بنی امیه به کل جهان اسلام به متضه ظهور رسید و این به معنی سلطه مجدد کفر بوسفیانی یا نقاب اسلام بر محرومان و مجاهدان صدر اسلام بود. سبطیره شومی که با رنج‌ها و محنت های شهیدان و مجاهدان بدر و احد زایل گردیده بود، بار دیگر بازگشت. اوسفیان که در آن سالها پیرمردی نابینا و فریفت خرد بود بر سر قبر حمزه سیدالشهدا (عموی پیامبر) آمد و گفت: «یا ابا عماره ! لقد قاتلتنا علی امر صار الینا» «بر سر چیزی یا ما جنگیدی که آخر به دست ما افتاد»<sup>۱۶</sup>

آری سرانجام، معامله خودی کردن با بنی امیه، خطرهای بزرگی برای امت اسلامی پدید آرد و به پهای گزافی تمام شد. روز به روز دست این طائفه خطرناک در جامعه اسلامی باز شد به گونه ای که بر امور قضایی، اقتصادی و سیاسی اَمت پیامبر (ص) مسلط شدند و هویت دینی حکومت و جامعه اسلامی را از درون تهی

ب) گرایش کهرنگ و کیمفوذی که به ویژه پس از سرکوب جنبش دهقانی در سال ۱۵۲۵ میلادی، ضعیف‌تر گردید به نحوی که از اوایل قرن هجدهم و با تشکیل تشکل رسمی فراماسونری، در درون فراماسونری جهانی هیچ نقش و سهمی نداشت. از اواسط قرن هجدهم به بعد باقیمانده‌های این گرایش کم‌رکم رو به‌زوال و شبهه‌ناک در حیات مسائلی و کانون‌های و انجمن‌های کوچک و بزرگانه و منفرد و خارج از جریان تشکل رسمی و فراگیر ماسونی به حیات خود ادامه داد و امروزه نشان روشنی (هرچند کهرنگ) از حضور و فعالیت آشکار آنها دیده نمی‌شود. این گرایش کهرنگ و ضعیف و غیرعالم در شبکه تشکل‌های کابالایی (سوسیالیسم، اتحاد مملات سوسیالیستی و نیز باورها و تماثلاتی بود که بعدها به ناسیونال- سوسیالیسم معروف گردید. از چهره‌ها و محافل معروف این‌ها می‌توان «جان‌هوس»، «وایکلیف»، «توماس مونتسر»، «فردیش فیخته»، کارل مارکس، «انجمن عدالت»، «انجمن توله» و نظایر این‌ها نامبرد.

این گرایش غیرعالم در شبکه تشکلهای کابالایی‌های شیماسونیک که درپی تأسیس فراماسونری رسمی، از طرف تشکل فراماسونری مودب بی‌توجهی قرار گرفته و به بازی گرفته نشد، با آن جریان غالب لیبرال- سرمایه‌دار (که در قرن هجدهم فراماسونری را پدید آورد) به تعلق و آمونیمسم و ترویج جهان‌بینی مدرنیستی هم‌راهی و سازگارگی داشت و اختلاف آن با گرایش غالب لیبرال- سرمایه‌دار، بیشتر در توجه به برخی شعارهای عدالت‌طلبانه و برخی وجوه فرهنگی- سیاسی دیگر بود.

جریان فرهنگی- اجتماعی ششیه ماسونی و به دنبال آن فراماسونری، به لحاظ نظری ریشه در آموزه‌های کابالایی دارد که خود آن برگرفته از آموزه‌های شرک‌انود کاهنان مصری مدافع فراعنه (موسوم به هرمتیکا) و نوعی باخوانی مدرنیستی آن است. به عبارت دیگر، هم شبکۀ محافل و کانون‌های شیماسونیم و هم دستگاه عرض و طولی فراماسونری رسمی به لحاظ نظری و فکری ریشه در آموزه‌های کابالایی (که غالب آنچه که عرفان یهودی نامیده می‌شود) دارد. اما کابالا چیست؟ کابالا غالباً در دو معنا به کار می‌رود:

الف) به یک اعتبار کابالا معادل تصوف یهودی پنداشته می‌شود. در این معنا به کل آنچه به درستی یا به اشتباه تصوف یا عرفان یهودی دانسته می‌شود، کابالا می‌اطلاق می‌گردد.

ب) در معنای دوم، کابالا به وجه و صورتی خاص از آراء عرفانی یهودی گفته می‌شود که آغاز آن با «الحاق کوره» (نوتوریسیسم و صوفی یهودی ساکن جنوب فرانسه متوفی به سال ۱۱۳۵ م است) و آراء او است و به دنبال او یهودی دیگری به نام «کیمپنیدس» که در ۱۱۷۱ میلادی کاتولیکبای پیوسته بود، آراء او بسط و تفصیل داد و نزدیک به ۵۰ کتاب و رساله در این خصوص نوشت. نهمانیس در سال ۱۲۷۰م درگذشت و تا قبل از نگارش کتاب «زهر» توسط موسی بن شم تالولونی» (که او را می‌توان برجسته‌ترین چهره در عرفان نظری یهودی دانست) آثار نهمانیس، مشتمل بر آثار مرتبط با فرافریض کابالایی بود.

در واقع در این معنای دوم، کابالا معادل کل جریان عرفان یهودی دانسته نمی‌شود، بلکه به صورتی از آن، کابالا گفته می‌شود. در سیر تطور عرفان یهودی، این مرحله صرفاً مرکابوتوسمی

۲- مرحله نهضت خسیدی امانی
۳- مرحله کابالا که آغاز آن با آموزه‌های اسحاق کور در اواخر قرن دوازدهم در ایتالیا بود و با آراء نهمانیس در اسپانیای قرن سیزدهم نیزدهم یافت و نهایتاً با نگارش کتاب «توریه مسوسی یوده است» از اوایل قرن سیزدهم، کابالا به طور خاص به جریان اصلی عرفان یهود اطلاق گردیده است و به نوعی کابالا معادل عرفان یهود دانسته شده است، اگرچه کابالا به طور مشخص در اواخر قرن دوازدهم در قرن سیزدهم میلادی، به صورت نظری به مناسجه منکونب یافته است، اما به نظر می‌رسد که ریشه‌های آن، با حفظ نظری به آموزه‌های کابالا به باور باورنقاد فلاطونی و برخی آراء مشرکانه شرق روم برمی گردد، اما در یک نگاه کلی می‌توان



حجت الاسلام دکتر جواد سلیمانی
چرا امام حسین (ع) با یزید مذاکره نکرد؟

## فرجام تعامل با دشمن

**«سرانجام، معامله خودی کردن با بنی امیه، خطرهای بزرگی برای امت اسلامی پدید آورد و به بهای گزافی تمام شد. روز به روز دست این طائفه خطرناک در جامعه اسلامی باز شد به گونه ای که بر امور قضایی، اقتصادی و سیاسی اَمت پیامبر (ص) مسلط شدند و هویت دینی حکومت و جامعه اسلامی را از درون تهی کردند.**

و سبطیره کفرطاطنی بر اسلام ناب فراهم آمد.

کروند و سبطره کفرطاطنی بر اسلام ناب فراهم آمد.

پیامد سیاست تسلط توأم با تساهل با غیر خودی‌ها که با سکوت اکثر اصحاب به بار نشست، این عمل که معاویه در سال‌های پایانی خلافت عثمان، با کمال جسارت در محفل بزرگان اصحاب و سران مهاجران، در مدینه، حاضر شده و به بهانه دفاع از عثمان، آن‌ها را تحقیر کرد و از خود و اجداد کافر و بت‌پرستش به نیکی یاد نمود. وی در آن مجلس گفت:

«ای مهاجران، شما می‌دانید که هر یک از شما پیش از اسلام در میان قومتان فردی ورشکسته و گمراه بوده‌اید، کارها و امور جامعه بدون نظرخواهی از شما انجام می‌شد، تا این‌که خداوند روشلس را مبعوث نمود و شما سبقت جست و زودتر به او پیوستید. پس شما تنها به واسطه سبقتان سیادت یافت‌اید، به طوری که امروز می‌گویید: بھط [حزب] فلان، ای فلان، وگرنه پیش‌تر شما قابل ذکر نبودید.»<sup>۱۱</sup>

این ماجرا از این جهت نیز سوزناک است که از سوی دیگر احساس وحشت و هقارت بزرگان اصحاب را نسبت به آنان نشان می‌دهد. «ای مهاجران، شما می‌دانید که هر یک از شما پیش از اسلام در میان قومتان فردی ورشکسته و گمراه بوده‌اید، کارها و امور جامعه بدون نظرخواهی از شما انجام می‌شد، تا این‌که خداوند روشلس را مبعوث نمود و شما سبقت جست و زودتر به او پیوستید. پس شما تنها به واسطه سبقتان سیادت یافت‌اید، به طوری که امروز می‌گویید: بھط [حزب] فلان، ای فلان، وگرنه پیش‌تر شما قابل ذکر نبودید.»<sup>۱۱</sup>

این ماجرا از این جهت نیز سوزناک است که از سوی دیگر احساس وحشت و هقارت بزرگان اصحاب را نسبت به آنان نشان می‌دهد. «ای مهاجران، شما می‌دانید که هر یک از شما پیش از اسلام در میان قومتان فردی ورشکسته و گمراه بوده‌اید، کارها و امور جامعه بدون نظرخواهی از شما انجام می‌شد، تا این‌که خداوند روشلس را مبعوث نمود و شما سبقت جست و زودتر به او پیوستید. پس شما تنها به واسطه سبقتان سیادت یافت‌اید، به طوری که امروز می‌گویید: بھط [حزب] فلان، ای فلان، وگرنه پیش‌تر شما قابل ذکر نبودید.»<sup>۱۱</sup>

این ماجرا از این جهت نیز سوزناک است که از سوی دیگر احساس وحشت و هقارت بزرگان اصحاب را نسبت به آنان نشان می‌دهد. «ای مهاجران، شما می‌دانید که هر یک از شما پیش از اسلام در میان قومتان فردی ورشکسته و گمراه بوده‌اید، کارها و امور جامعه بدون نظرخواهی از شما انجام می‌شد، تا این‌که خداوند روشلس را مبعوث نمود و شما سبقت جست و زودتر به او پیوستید. پس شما تنها به واسطه سبقتان سیادت یافت‌اید، به طوری که امروز می‌گویید: بھط [حزب] فلان، ای فلان، وگرنه پیش‌تر شما قابل ذکر نبودید.»<sup>۱۱</sup>

روشک بنی امیه نسبت به امیرمؤمنان(ع)

بنی‌امیه در رقابت و برتری‌جویی خود نسبت به بنی‌هاشم، مرزهای مروت انسانی را در هم ریختند و به کینه‌توزی و حسادت شدید مبتلا گردیدند. این دیدنها با وجود نبوت نبی(کرم‌ص) و حلول نور ولایت در خاندان بنی‌هاشم، هرگز نمی‌توانند با آنان رقابت کنند؛ زیرا این مسئله هم برای غیر انسانی است؛ لذا از روی حق و حسد به انتقام‌جویی از آنان پرداختند. البته برای این دشمنی دلایل دینی و غیر دینی تراشیدند ولی یکی از ریشه‌های همه آنها حسادت بود. امیرمؤمنان(ع) در یکی از نامه‌هایش به معاویه می‌نویسند:

**« مقصود از «آزادی» در جهان‌بینی فراماسونی، مفهوم فردانگاره و سرمایه‌دارانهٔ آزادی است و این امر گویای پیوند نزدیک و فراتر از آن، همانندی تقریبی جهان‌بینی ماسونی و لیبرالیسم می‌باشد. شعار «برابری» مطروح در جهان‌بینی ماسونی نیز ماهیتی لیبرالی – نئولیبرالی دارد. ذات این برابری، نوعی برابری صرفاً ظاهری حقوقی است که در لیبرالیسم و نئولیبرالیسم محوریت دارد. باطن این به اصطلاح برابری (که امری صرفاً حقوقی و ظاهری است) نوعی نابرابری تمام‌عیار ظالمانه است**

### پاورقی

Research@kayhan.ir

**« رفته رفته پروژه سبطیره بنی امیه به کل جهان اسلام متضه ظهور رسید و این به معنی سلطه مجدد کفر بوسفیانی یا نقاب اسلام بر محرومان و مجاهدان صدر اسلام بود. سبطیره شومی که با رنج‌ها و محنت های شهیدان و مجاهدان بدر و احد زایل گردیده بود، بار دیگر بازگشت. اوسفیان که در آن سالها پیرمردی نابینا و فرتوت شده بود بر سر قبر حمزه سیدالشهدا (عموی پیامبر) آمد و گفت: «یا ابا عماره ! لقد قاتلتنا علی امر صار الینا» «بر سر چیزی یا ما جنگیدی که آخر به دست ما افتاد»<sup>۱۲</sup>**

ولا نحن أهل البیت آل ابراهیم المحمودون حسندا کما حسد اباؤنا من قبل سنّة و مثلاً...<sup>۱۳</sup> آگاه باشید ما اهل‌بیت، فرزندان ابراهیم، مورد حسادت چه‌بر پرداخت. اینان ضمن مکاتبات متعدد با مصدق در سال ۱۲۴۴، موافقت وی را با اساتمامه جبهه ملی سوم دریافت کردند.

گروه‌های عضو جبهه ملی سوم که در تاریخ ۱۳۴۴/۵/۷ رسماً اعلام موجودیت کرد، عبارت بودند از: حزب ملت ایران، حزب مردم ایران، جامعه سوسیالیست‌ها و نهضت آزادی. رهبری جبهه ملی سوم را اسید باقر کاظمی از سیاسیون قدیمی کدو- عضو شبکه فراماسونری- برعهده گرفت. دو هفته پس از اعلام موجودیت، داریوش فروهر- و خلیل ملکی (رهبران گروه‌های حزب ملت ایران و جامعه سوسیالیست‌ها) دستگیر شدند. قبل از آن هم برخی رهبران نهضت آزادی زندانی شده بودند. بدین سان جبهه ملی سوم قبل از شروع و گسترش فعالیت‌ها فروپاشید.<sup>۱۴</sup>

ممکن است این سوال به ذهن برسد که چرا رژیم شاه به انشاء مختلف در سر راه فعالیت جبهه ملی جامعه بشری را بازداشت می‌کرد؟ پاسخ این سوال آنست که درست است هم رژیم شاه دست‌نشانده دولت آمریکا از آن هم برخی رهبران نهضت آزادی زندانی شده بودند. بدین سان جبهه ملی سوم قبل از شروع و گسترش فعالیت‌ها فروپاشید.<sup>۱۴</sup>

از این آرا شریفه به روشنی پیداست که حسادت آثار بسیار خطرآفرینی برای جامعه دارد؛ لذا خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد تا از شر انسان حسود به خدا پناه ببرد. اگر حسود یک خصلت ناپسند معمولی مانند خشت و بجرخفی و غیره بود، هرگز خداوند حسود را یک فرد شرور و زاینده شر معرفی نمی‌کرد. به علاوه، این شر ناشی از حسادت امری خرد و کوچک بود و آثار مخرب در خاطر توپدی نداشت، خداوند به پیامبرش دستور نمی‌داد تا از شر حسود به خداوند ناپرهیز و اسبابا انسان حسود را در میان انسان‌هایی که صاحب ذنایب اخراقی هستند، جدا نمی‌کرد و خط‌ر او از چنین به نبی(کرم‌ص) گوشزد نمی‌فرمود.

۲۳- ابراه ایلا پیشتر از روند رشد شافل پس از رحلت رسول خلاص) و برخورد امیرمؤمنان(ع) با نوحی بعد از آن، مجله معرفت، ش ۲۷، مقاله امام علی(ع) و تضاعف خراس، اثر نگارنده، و مجله روز اندیشه، ش ۲۲، مقاله مرزهای مدارا و شدت عمل در حکمت امیرمؤمنان(ع)، اثر نگارنده.
۲۴- این اثر، الحدید، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۳
۲۵- این اثر، الحدید، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۹
۲۶- این اثر، الحدید، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۹
۲۷- یک مسعودی، پیشین، ج ۲، ص ۲۴۵

۲۸- الفرات ج ۱۱۸ و نهج‌الساده ج ۴، ص ۱۵۲. به نقل از ابن اثبات، ج ۳، ص ۹۵ و ۸۱۲ و الفرات، ج ۱۱۱ و نهج‌الساده ج ۴، ص ۵۳
۲۹- الفرات، ج ۸۸ و نهج‌الساده ج ۴، ص ۱۵۶. به نقل از همان ج، ۳، ص ۹۵ و ۸۱۲ و الفرات، ج ۸ ص ۵۳

۳۰- سرف نقل.
۳۱- نگریه به ابن اثبات، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۹
۳۲- العیابر و میزان، ج ۱، ص ۱۵۵. رفته رفته نبح‌اللاغ، ج ۱، ص ۳۲۹
۳۳- العیابر و میزان، ج ۱، ص ۱۵۵. رفته رفته نبح‌اللاغ، ج ۱، ص ۳۲۹
۳۴- العیابر و میزان، ج ۱، ص ۱۵۵. رفته رفته نبح‌اللاغ، ج ۱، ص ۳۲۹
۳۵- العیابر و میزان، ج ۱، ص ۱۵۵. رفته رفته نبح‌اللاغ، ج ۱، ص ۳۲۹



سنجشی ایدئولوژی‌های مدرن – ۱۶ –

## روایت احسان نراقی از جلسات جبهه ملی با هویدا

**جبهه ملی سوم**

جبهه ملی سوم را باید ادامه و دنباله طبیعی جبهه ملی دوم دانست؛ با این تفاوت که جناح اقلیت کنگره، این بار در غیاب اکثریت محافظه کار، رأساً به سازماندهی جبهه پرداخت. اینان ضمن مکاتبات متعدد با مصدق در سال ۱۲۴۴، موافقت وی را با اساتمامه جبهه ملی سوم دریافت کردند.

گروه‌های عضو جبهه ملی سوم که در تاریخ ۱۳۴۴/۵/۷ رسماً اعلام موجودیت کرد، عبارت بودند از: حزب ملت ایران، حزب مردم ایران، جامعه سوسیالیست‌ها و نهضت آزادی. رهبری جبهه ملی سوم را اسید باقر کاظمی از سیاسیون قدیمی کدو- عضو شبکه فراماسونری- برعهده گرفت. دو هفته پس از اعلام موجودیت، داریوش فروهر- و خلیل ملکی (رهبران گروه‌های حزب ملت ایران و جامعه سوسیالیست‌ها) دستگیر شدند. قبل از آن هم برخی رهبران نهضت آزادی زندانی شده بودند. بدین سان جبهه ملی سوم قبل از شروع و گسترش فعالیت‌ها فروپاشید.<sup>۱۴</sup>

ممکن است این سوال به ذهن برسد که چرا رژیم شاه به انشاء مختلف در سر راه فعالیت جبهه ملی جامعه بشری را بازداشت می‌کرد؟ پاسخ این سوال آنست که درست است هم رژیم شاه دست‌نشانده دولت آمریکا از آن هم برخی رهبران نهضت آزادی زندانی شده بودند. بدین سان جبهه ملی سوم قبل از شروع و گسترش فعالیت‌ها فروپاشید.<sup>۱۴</sup>

از این آرا شریفه به روشنی پیداست که حسادت آثار بسیار خطرآفرینی برای جامعه دارد؛ لذا خداوند به پیامبرش دستور می‌دهد تا از شر انسان حسود به خدا پناه ببرد. اگر حسود یک خصلت ناپسند معمولی مانند خشت و بجرخفی و غیره بود، هرگز خداوند حسود را یک فرد شرور و زاینده شر معرفی نمی‌کرد. به علاوه، این شر ناشی از حسادت امری خرد و کوچک بود و آثار مخرب در خاطر توپدی نداشت، خداوند به پیامبرش دستور نمی‌داد تا از شر حسود به خداوند ناپرهیز و اسبابا انسان حسود را در میان انسان‌هایی که صاحب ذنایب اخراقی هستند، جدا نمی‌کرد و خط‌ر او از چنین به نبی(کرم‌ص) گوشزد نمی‌فرمود.

۲۳- ابراه ایلا پیشتر از روند رشد شافل پس از رحلت رسول خلاص) و برخورد امیرمؤمنان(ع) با نوحی بعد از آن، مجله معرفت، ش ۲۷، مقاله امام علی(ع) و تضاعف خراس، اثر نگارنده، و مجله روز اندیشه، ش ۲۲، مقاله مرزهای مدارا و شدت عمل در حکمت امیرمؤمنان(ع)، اثر نگارنده.
۲۴- این اثر، الحدید، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۳
۲۵- این اثر، الحدید، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۹
۲۶- این اثر، الحدید، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۹
۲۷- یک مسعودی، پیشین، ج ۲، ص ۲۴۵

۲۸- الفرات ج ۱۱۸ و نهج‌الساده ج ۴، ص ۱۵۲. به نقل از ابن اثبات، ج ۳، ص ۹۵ و ۸۱۲ و الفرات، ج ۱۱۱ و نهج‌الساده ج ۴، ص ۵۳
۲۹- الفرات، ج ۸۸ و نهج‌الساده ج ۴، ص ۱۵۶. به نقل از همان ج، ۳، ص ۹۵ و ۸۱۲ و الفرات، ج ۸ ص ۵۳
۳۰- سرف نقل.
۳۱- نگریه به ابن اثبات، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۹
۳۲- العیابر و میزان، ج ۱، ص ۱۵۵. رفته رفته نبح‌اللاغ، ج ۱، ص ۳۲۹
۳۳- العیابر و میزان، ج ۱، ص ۱۵۵. رفته رفته نبح‌اللاغ، ج ۱، ص ۳۲۹
۳۴- العیابر و میزان، ج ۱، ص ۱۵۵. رفته رفته نبح‌اللاغ، ج ۱، ص ۳۲۹
۳۵- العیابر و میزان، ج ۱، ص ۱۵۵. رفته رفته نبح‌اللاغ، ج ۱، ص ۳۲۹

سنجشی ایدئولوژی‌های مدرن – ۱۶ –

۲۳- ابراه ایلا پیشتر از روند رشد شافل پس از رحلت رسول خلاص) و برخورد امیرمؤمنان(ع) با نوحی بعد از آن، مجله معرفت، ش ۲۷، مقاله امام علی(ع) و تضاعف خراس، اثر نگارنده، و مجله روز اندیشه، ش ۲۲، مقاله مرزهای مدارا و شدت عمل در حکمت امیرمؤمنان(ع)، اثر نگارنده.
۲۴- این اثر، الحدید، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۳
۲۵- این اثر، الحدید، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۹
۲۶- این اثر، الحدید، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۹
۲۷- یک مسعودی، پیشین، ج ۲، ص ۲۴۵

۲۸- الفرات ج ۱۱۸ و نهج‌الساده ج ۴، ص ۱۵۲. به نقل از ابن اثبات، ج ۳، ص ۹۵ و ۸۱۲ و الفرات، ج ۱۱۱ و نهج‌الساده ج ۴، ص ۵۳
۲۹- الفرات، ج ۸۸ و نهج‌الساده ج ۴، ص ۱۵۶. به نقل از همان ج، ۳، ص ۹۵ و ۸۱۲ و الفرات، ج ۸ ص ۵۳

۳۰- سرف نقل.
۳۱- نگریه به ابن اثبات، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۹
۳۲- العیابر و میزان، ج ۱، ص ۱۵۵. رفته رفته نبح‌اللاغ، ج ۱، ص ۳۲۹
۳۳- العیابر و میزان، ج ۱، ص ۱۵۵. رفته رفته نبح‌اللاغ، ج ۱، ص ۳۲۹
۳۴- العیابر و میزان، ج ۱، ص ۱۵۵. رفته رفته نبح‌اللاغ، ج ۱، ص ۳۲۹
۳۵- العیابر و میزان، ج ۱، ص ۱۵۵. رفته رفته نبح‌اللاغ، ج ۱، ص ۳۲۹

انجمن‌های ایدئولسیستی‌ای که در آن دوره شکل گرفتند خواستار جایگزین کردن فرهنگ مسیحی اروپا با فرهنگ جدیدی بودند که در کابالا ریشه داشت. آنها می‌خواستند برای رسیدن به این منظور یک تغییر اجتماعی- سیاسی ایجاد کنند... در قرن چهاردهم سازمان ماسوننی و اومانیستی‌ای در اروپا متولد گردید که منشأ آن به کابالا بازمی‌گردد و این سازمان مانند یهودیان، مسیحیان و مسلمانان به خدا اعتقاد داشت.

فرهنگی و سیاسی و ساختارهای حکومتی کشورهاى مختلف حضور و فعالیت دارند، یکدیگر را به صورت متحد (با اغلب پنهانی) در جهت حمایت تمام‌عیار و گسترده قرار می‌دهند. برپایهٔ یهودی‌ها، یکدیگر، پشتیبانی و کمک به یکدیگر و حمایت از هم‌دیگر در جهت کلی پیشبرد اغراض شیطانی ماسونی است.

لیبرالیسم کلاسیک و نئولیبرالیسم همانندى‌های مهم و تعیین‌کننده‌ای در جهان ماسونی دارند. به لحاظ تاریخی نیز اکثریت لیبالی‌ها و نئولیبرال‌ها فراماسون بوده و هستند. آن‌ان احتمالاً نتیجهٔ این است که آن فعالیت‌ها در نئولیبرالیسم فراماسونیک است. این احتمال نیز می‌تواند به دلیل فراماسونری نئولیبرالی‌ها که در خصوص فراماسون بودن آنها اطلاعات مستند نداریم نیز ماسون باشند، اما بنا به دلایلی اسناد مربوط به عضویت آنها در لژها و محافل و کانون‌های ماسونی فعلاً پنهان مانده باشد). رهبران لیبرالیست انقلاب فرانسه یعنی کسانی مثل میرو، لویسو، رونالد، جیمز و آرتور کازان جهان‌بینی ماسونی را کمنک به یکدیگر و حمایت از هم‌دیگر در جهت کلی پیشبرد اغراض شیطانی ماسونی است.

لیبرالیسم کلاسیک و نئولیبرالیسم همانندى‌های مهم و تعیین‌کننده‌ای در جهان ماسونی دارند. به لحاظ تاریخی نیز اکثریت لیبالی‌ها و نئولیبرال‌ها فراماسون بوده و هستند. آن‌ان احتمالاً نتیجهٔ این است که آن فعالیت‌ها در نئولیبرالیسم فراماسونیک است. این احتمال نیز می‌تواند به دلیل فراماسونری نئولیبرالی‌ها که در خصوص فراماسون بودن آنها اطلاعات مستند نداریم نیز ماسون باشند، اما بنا به دلایلی اسناد مربوط به عضویت آنها در لژها و محافل و کانون‌های ماسونی فعلاً پنهان مانده باشد). رهبران لیبرالیست انقلاب فرانسه یعنی کسانی مثل میرو، لویسو، رونالد، جیمز و آرتور کازان جهان‌بینی ماسونی را کمنک به یکدیگر و حمایت از هم‌دیگر در جهت کلی پیشبرد اغراض شیطانی ماسونی است.

لیبرالیسم کلاسیک و نئولیبرالیسم همانندى‌های مهم و تعیین‌کننده‌ای در جهان ماسونی دارند. به لحاظ تاریخی نیز اکثریت لیبالی‌ها و نئولیبرال‌ها فراماسون بوده و هستند. آن‌ان احتمالاً نتیجهٔ این است که آن فعالیت‌ها در نئولیبرالیسم فراماسونیک است. این احتمال نیز می‌تواند به دلیل فراماسونری نئولیبرالی‌ها که در خصوص فراماسون بودن آنها اطلاعات مستند نداریم نیز ماسون باشند، اما بنا به دلایلی اسناد مربوط به عضویت آنها در لژها و محافل و کانون‌های ماسونی فعلاً پنهان مانده باشد). رهبران لیبرالیست انقلاب فرانسه یعنی کسانی مثل میرو، لویسو، رونالد، جیمز و آرتور کازان جهان‌بینی ماسونی را کمنک به یکدیگر و حمایت از هم‌دیگر در جهت کلی پیشبرد اغراض شیطانی ماسونی است.

صفحه ۶ از ۶

چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۳

۱۸ محرم ۱۴۳۶ – شماره ۲۰۹۱۹



روایتی مستند از دخالت‌ها و جنایات آمریکا در ایران ۱۳۳۲-۱۳۹۲

چنین آمده است:
«ساعت ۱۹ روز ۱۱/۱۲/۲۳۶. جلسه کمیته اتحاد نیروهای جبهه ملی ایران با شرکت دکتر شاپور بختیار، داریوش فروهر، دکتر بهروز برومند، خسرو سیف، رضا شایان، مهندس ابوالقاسم قندهاریان، قاسم لاجپزی، حاج علی صدیقی و ابوالفضل قاسمی، در منزل علی اردلان تشکیل گردید. بحث در مورد اعلامیهٔ خمینی شد. امینی بر این که قانون اساسی کافی برای سرنگون کردن رژیم شاه سلطنت نیست و نظر آقایان خواسته شد. همه افراد به اتفاق آراء گفتند: ما همان راه قانون اساسی است.»<sup>۹</sup>

هم چنین در یک گزارش «خیلی‌محرمانه» دیگر ساواک به تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۵۷ چنین آمده: «داریوش فروهر ضمن گفتگوی محرمانه با یکی از طرفدارانش اظهار داشته که نامه اعلامیهٔ خمینی را تکثیر نکند و اضافه کرد که خمینی سنگ‌های بزرگ برمی دارد ولی ما کارمان را در چارچوب قانون اساسی انجام می‌دهیم.»<sup>۱۰</sup>

چند ماه بعد در تاریخ سی‌ام تیرماه ۱۳۵۷ «اتحاد نیروهای جبهه ملی» به «جبهه ملی چهارم» تغییر نام یافت. در این تشکل، ریاست هیئت اجرایی برعهده کریم سنجلی قرار گرفت و اعضای آن بختیار، فروهر، حسینی و مشیری بودند.<sup>۱۱</sup>

رهبران جبهه ملی در روزهای تظاهرات و اعتصابات و درگیری‌های نیمه اول سال ۱۳۵۷، با بیانیه‌ها و اطلاعیه‌هایی که هر از گاهی صادر می‌کردند، وانمود می‌ساختند که با حرکت و نهضت مردم همراه هستند، اما در واقع در پشت‌پرده به دنبال زدننده رژیم پهلوی و آمریکا و سپس

تظاهرات و اعتصابات و درگیری‌های نیمه اول سال ۱۳۵۷، با بیانیه‌ها و اطلاعیه‌هایی که هر از گاهی صادر می‌کردند، وانمود می‌ساختند که با حرکت و نهضت مردم همراه هستند، اما در واقع در پشت‌پرده به دنبال زدننده رژیم پهلوی و آمریکا و سپس

تظاهرات و اعتصابات و درگیری‌های نیمه اول سال ۱۳۵۷، با بیانیه‌ها و اطلاعیه‌هایی که هر از گاهی صادر می‌کردند، وانمود می‌ساختند که با حرکت و نهضت مردم همراه هستند، اما در واقع در پشت‌پرده به دنبال زدننده رژیم پهلوی و آمریکا و سپس

تظاهرات و اعتصابات و درگیری‌های نیمه اول سال ۱۳۵۷، با بیانیه‌ها و اطلاعیه‌هایی که هر از گاهی صادر می‌کردند، وانمود می‌ساختند که با حرکت و نهضت مردم همراه هستند، اما در واقع در پشت‌پرده به دنبال زدننده رژیم پهلوی و آمریکا و سپس

تظاهرات و اعتصابات و درگیری‌های نیمه اول سال ۱۳۵۷، با بیانیه‌ها و اطلاعیه‌هایی که هر از گاهی صادر می‌کردند، وانمود می‌ساختند که با حرکت و نهضت مردم همراه هستند، اما در واقع در پشت‌پرده به دنبال زدننده رژیم پهلوی و آمریکا و سپس

تظاهرات و اعتصابات و درگیری‌های نیمه اول سال ۱۳۵۷، با بیانیه‌ها و اطلاعیه‌هایی که هر از گاهی صادر می‌کردند، وانمود می‌ساختند که با حرکت و نهضت مردم همراه هستند، اما در واقع در پشت‌پرده به دنبال زدننده رژیم پهلوی و آمریکا و سپس

تظاهرات و اعتصابات و درگیری‌های نیمه اول سال ۱۳۵۷، با بیانیه‌ها و اطلاعیه‌هایی که هر از گاهی صادر می‌کردند، وانمود می‌ساختند که با حرکت و نهضت مردم همراه هستند، اما در واقع در پشت‌پرده به دنبال زدننده رژیم پهلوی و آمریکا و سپس

تظاهرات و اعتصابات و درگیری‌های نیمه اول سال ۱۳۵۷، با بیانیه‌ها و اطلاعیه‌هایی که هر از گاهی صادر می‌کردند، وانمود می‌ساختند که با حرکت و نهضت مردم همراه هستند، اما در واقع در پشت‌پرده به دنبال زدننده رژیم پهلوی و آمریکا و سپس

تظاهرات و اعتصابات و درگیری‌های نیمه اول سال ۱۳۵۷، با بیانیه‌ها و اطلاعیه‌هایی که هر از گاهی صادر می‌کردند، وانمود می‌ساختند که با حرکت و نهضت مردم همراه هستند، اما در واقع در پشت‌پرده به دنبال زدننده رژیم پهلوی و آمریکا و سپس

تظاهرات و اعتصابات و درگیری‌های نیمه اول سال ۱۳۵۷، با بیانیه‌ها و اطلاعیه‌هایی که هر از گاهی صادر می‌کردند، وانمود می‌ساختند که با حرکت و نهضت مردم همراه هستند، اما در واقع در پشت‌پرده به دنبال زدننده رژیم پهلوی و آمریکا و سپس

تظاهرات و اعتصابات و درگیری‌های نیمه اول سال ۱۳۵۷، با بیانیه‌ها و اطلاعیه‌هایی که هر از گاهی صادر می‌کردند، وانمود می‌ساختند که با حرکت و نهضت مردم همراه هستند، اما در واقع در پشت‌پرده به دنبال زدننده رژیم پهلوی و آمریکا و سپس

تظاهرات و اعتصابات و درگیری‌های نیمه اول سال ۱۳۵۷، با